

در سوگ

امام حسین علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

در سوگ امام حسین علیه السلام

نویسنده:

محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

موسسه الارسول اکرم (ص)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

در سوگ امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

نویسنده : سید محمد شیرازی

ناشر : موسسه رسول اکرم (ص)

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلاهٔ و السلام علی محمد و آله الطاهرین.

اما بعـد: تشیّع یعنی امتـداد خط مسـتقیم اسـلام، تشیّع یعنی مکتبی تابنـده و سازنـده که بار رسالت اسـلام را بر دوش خود احساس نموده، و در طول تاریخ خود با عناصر ضد دین و استعمارگران و طاغوتهای هر عصر بی امان مبارزه کرده است.

و همواره اسـتقبال از شـهادت و دادن خون خود، جانی تازه در کالبـد مسـلمین دمیـده و آنان را از انزوای سیاسـی و اجتماعی بیرون کشیده و به صحنهٔ زندگی باز گردانده است.

پیامبر اسـلام در عصـر خود با آوردن قرآن مجیـد و رهنمودهای حیاتبخش، پیروان خود را از سـنتهای غلط جاهلی به ویژه تعصّبات نژاد پرستی و ملیّت گرایی بازداشـته، و توجه آنـان را به ارزشـهای متعـالی انسانی و اسـلامی جلب نمودنـد، و بر اساس همین تربیت اسـلامی، ملیت های مختلف ترك و فارس و عرب و عجم جـذب اسلام شـده و بـدون احساس کوچکترین تبعیض و امتیاز نژادی و ملیت در کنار هم می‌زیستند، و جامعه ای دور از فساد، فحشاء و منکرات و بی عدالتی داشتند.

امـا پس از رحلت جـانسوز پیـامبر خـدا حضـرت محمـد بن عبـدالله ـ صـلی الله علیه و آله و سـلم ـ و تغییر مسیر خلافت و امامت، سودجویـان و آنهـا که بظـاهر اسـلام را پـذیرفته بودنـد بر مسـند خلافـت نشسـتند و تنها ظواهری از اسـلام را بکار بسـتند و در واقع حکومت اسـلامی به یک حکومت نژادی، عربی و ناسـیونال تبـدیل گردیـد، و رفته رفته ملیتهای غیر عرب از تشـکیلات حکومت و دفاتر و ولایتها و پستها محروم شدند.

این وضع بطور تـدریجی و البته بـا حفـظ ظواهری از اسـلام و عوامفریبی هـای فرمانروایـان جـای اسلام واقعی را می گرفت، روابط، قومیّت، نژاد، نسبتهای فامیلی کم کم جایگزین ضوابط اسلامی و انسانی شد.

فرمانروایان هر کـدام جیبهای خود و نزدیکان را از خزانـهٔ بیت المال پر می کردند، و زر اندوزیها و تشـریفات مادی جایگزین زهد و پارسائی و زندگی سادهٔ اسلامی گردید.

و در همین گیر و دارها که ملت اسـلام از هر سو شاهـد ظلم و بی عـدالتیهای حکمرانان بنام اسـلام بودنـد، هر گاه به سـراغ زندگی فرزندان پیامبر می‌رفتند می‌دیدند همان زندگی سادهٔ پیامبر، و همان روحیهٔ مساوات و عدالت اسـلامی و ارزشـهای مکتبی و ضوابط انسـانی و اسـلامی دست نخـورده، در این خانـدان موجـود است، و بـا تمـام وجود از آن پاسـداری می کننـد، دسترنـج کشـاورزی و محصول یک سال باغداری خود را در یک روز میان فقرای شـهر تقسـیم می کنند، و سـر یک سـفره با کارگران مزرعه و غلام خود غذا می‌خوردند، از مناجاتهای شبانه با خداوند بهره مند، و پاکدامنی و تقوی در میان آنها در اعلی درجه می‌باشد.

وضع نابسامـان حکومت اسـلامی ادامه داشت تـا زمان خلافت یزیـد پسـر معاویه رسـید، یزیـد که مست و مغرور سـلطنت شـده بود، احسـاس می کرد که دیگر نیـازی به نفـاق زیاد و حفظ ظواهر اسـلامی نیست، و خلافت اسـلامی بطور کامل تبـدیل به یک سـلطنت مـوروثی و متکی به سـر نیزه شـده است، لـذا در جلسـات خود به طور آشـکار به قماربـازی و میگسـاری می‌پرداخت، پس از مرگ

پدرش معاویه مختصر ظواهری که که حفظ می‌شد و پرده هائی که در میان بود از بین رفت، و معلوم بود که با روی کار آمدن یزید دیگر مبارزه با اساس اسلام شروع خواهد شد.

لذا امام حسین ــ علیه السلام ــ حاضر به بیعت با یزید نشد و به فرمان خدا به قصد شناساندن ماهیّت کثیف بنی امیّه و زنده ساختن دین جدّ بزرگوارش خانهٔ خدا را به سوی کربلای شهادت ترک گفت، و با ریختن خون خود و فرزندان و یارانش درس مقاومت و جانبازی و شهادت را به پیروان خود داد.

پس از حادثهٔ کربلا، که به انقراض دودمان کثیف بنی امیه منجر شد، شیعیان و پیروان آن حضرت همه ساله با برگزاری مراسم سوگواری سالار شهیدان حضرت حسین بن علی ــ علیه السلام ــ مرام و مکتب حضرتش را زنده نگاه داشته، و با نثار اشک و خون خویشتن به پاسداری از اسلام و حفظ قرآن کوشیدند، و لحظه ای در این راه تردید نکردند.

اینک کتابی که در دست دارید، یکی از آثار آیهٔ الله شهید سید حسن شیرازی است، که به منظور خنثی سازی توطئهٔ ایادی استعمار در تضعیف شعائر حسینی و برنامه های انقلابی مکتب عاشورا نوشته اند، شهید در این اثر خود کوشیده است شك و تردیدهائی که در مشروعیت برنامه های عزاداری امام حسین ــ علیه السلام ــ با استدلال به متون فقهی اسلامی و سیرهٔ امامان علیهم السلام و فتاوای علمای بزرگ برطرف ساخته، ملت مسلمان را در برگزاری هر چه با شکوهتر این مراسم تشویق نماید.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

حوزه علمیه قم

۱۵/ ۸/ ۱۴۰۰ قمری

علی کاظمی مومنودی

چکیده

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین، و الصلاهٔ و السلام علی اشرف المرسلین محمد المصطفی و أهل بیته الطاهرین.

در حدیث شریف نبوی که شیعه و سنّی آنرا روایت نموده اند پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ فرمودند:

«حسین منّی و أنا من حسین».

یعنی: حسین از من، و من از حسینم.

این حدیث دارای دو بند است:

بند اول: «حسین منّی» این قسمت واضح و روشن است، زیرا امام حسین ــ علیه السلام ــ فرزند دختر رسول خدا ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ و نوهٔ آن حضرت است.

بند دوم: «و أنا من حسین»، علماء این بند را چنین معنی کرده اند که: بقاء رسول خدا ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ به بقاء دین او «اسلام» است، و بقاء اسلام مرهون جهاد امام حسین ــ علیه السلام ــ و فداکاری او در راه خدا است.

اگر جریان عاشوراء و فداکاری امام حسین ــ علیه السلام ــ و یاران، و اهل بیتش در راه اسلام نبود، بنی امیه قرنها پیش، اسلام را از بین برده بودند!

روی این حساب است که بقاء پیامبر ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ نیز از حسین ــ علیه السلام ــ است.

بنابراین حسین ــ علیه السلام ــ از پیامبر ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ است، که فرزند اوست.

و پیامبر ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ از حسین ـ علیه السلام ـ است که بقاء حضرتش از اوست.

همان گونه که دانشمندی بزرگ در این باره گفته است: «الإسلام محمدیّ الوجود، و حسینیّ البقاء».

یعنی: «پیدایش اسلام از محمد ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ و بقاء آن از حسین ـ علیه السلام ـ است».

از این رو ما درک می‌کنیم که بقاء اسلام در عصر حاضر نیز بستگی به حمایت از نهضت امام حسین ـ علیه السلام ـ و زنده نگاه داشتن انقلاب آن حضرت، هر چه با شکوهتر برگزار کردن مجالس سوگواری و عزاداری حضرتش دارد.

و زنده نگاهداشتن نهضت آن حضرت جز با پاسداری از شعائر حسینی که برنامهٔ شیعیان در هر کجا از جهان پهناور در ایام عاشوراء و دیگر ایام است، امکان پذیر نیست.

زیرا شعائر حسینی یکنوع ممارست عملی و همه جانبه از داستان عاشوراء، و فاجعهٔ کربلاء و فداکاری امام حسین ـ علیه السلام ـ در راه دین است.

و این شعائر است که در وجود انسانها روح حسینی و اسلامی را زنده می‌سازد.

اگر این شعائر متروک شود انقلاب حضرت بدست فراموشی سپرده خواهد شد، و بدنبال آن اسلام از بین خواهد رفت.

با این بررسی مختصر به این نتیجه می‌رسیم که برگزاری مجالس عزاء حسین ـ علیه السلام ـ همه ساله و در هر منطقه یک نوع واجب کفائی است.

و در گذشته بعضی از بزرگان فقهاء و مجتهدین به وجوب آن فتوی داده اند.

و علت وجوب آن هم روشن شد که بقاء اسلام مرهون نهضت امام حسین ـ علیه السلام ـ و بقاء نهضت آن حضرت تنها با شعائر حسینی است، بنابراین بر پا داشتن شعائر حسینی سبب بقاء اسلام است.

و شاید معنی واقعی فرمودهٔ رسول خدا ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ که فرمودند: «حسین منی و أنا من حسین» همین باشد که اشاره شد.

سوگواری سید الشهداء ـ علیه السلام ـ از شعائر الهی است

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

«و من یعظّم شعائر الله فانّها من تقوی القلوب».

یعنی: هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد آن نشانهٔ روح تقوی است.

«شعائر» جمع شعیره به معنی علامت است.

یعنی: هر کس نشانه های الهی را بزرگ دارد نشان از تقوای روح او است.

و نشانه های خدا: هر چیزی است که انسان را به سوی خدا راهنمائی کند.

پس نماز جزء نشانه های خدا است، نماز جماعت از نشانه های خدا است، حج از نشانه های خدا است.

پیامبر و امام از نشانه های خدایند، بزرگداشت آنان بزرگداشت نشانه های خدا، و زنده نگاه داشتن یاد و راه و روش آنان، همه از نشانه های خداوند است.

بنابراین، ذکر مصیبتهای حضرت سید الشهداء ـ علیه السلام ـ و برگزاری هر گونه عزاداری آن حضرت جزء شعائر الهی و نشانهٔ خداوند است، زیرا این مجالس و یادبودها است که مردم را به سوی امام حسین ـ علیه السلام ـ و در واقع به سوی اسلام فرا می‌خواند، و این مجالس تعظیم شعائر و نشانهٔ تقوای روح است.

و از این رو است که تمامی مراجع تقلید و فقهاء در طول تاریخ شیعه به رجحان اقامهٔ شعائر حسینی و استحباب برگزاری آن فتوی

داده و همواره بر هر چه با شکوهتر شدن آن تأکید داشتند.

سیاه پوشیدن برای امام حسین ـ علیه السلام ـ

چرا شیعیان در ایام محرّم در عزای امام حسین ـ علیه السلام ـ لباس سیاه می‌پوشند؟

برای آنکه اهل بیت رسول خدا ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ در عزای امام حسین ـ علیه السلام ـ لباس سیاه پوشیده اند، و پیامبر خدا ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ به ما دستور داده است که از خاندانش پیروی کنیم، آنجا که می‌فرماید:

«مثل أهل بیتی فیکم کمثل سفینهٔ نوح، من رکبها نجی و من تخلّف عنها غرق و هوی».

یعنی: مثل اهل بیت من در میان شما بمانند کشتی نوح می‌باشند که هر کس بر آن سوار شد نجات یافت، و هر کس از آن تخلّف نمود دچار غرقاب و هلاکت گردید.

چه کسی از اهل بیت و در چه زمانی برای امام حسین ـ علیه السلام ـ لباس سیاه پوشیده است؟

به روایات ذیل توجّه فرمائید:

۱. شیخ برقی در کتاب «محاسن» روایت نموده است که: «هنگامی که امام حسین ـ علیه السلام ـ کشته شدند، زنان بنی هاشم لباس سیاه پوشیدند. و از هیچ سرما و گرمائی شکایت نمی‌کردند، و امام زین العابدین ـ علیه السلام ـ برای آنان غذا تهیه می‌فرمود».

۲. شیخ نوری در «مستدرک الوسائل» ضمن روایتی نقل می‌کند که: امام زین العابدین ـ علیه السلام ـ را دیدند در حالی که جلیقهٔ سیاه و شنلی پوشیده بودند.

۳. امام حسن مجتبی ـ علیه السلام ـ در عزای پدر بزرگوارشان امیر المؤمنین ـ علیه السلام ـ لباس سیاه پوشیدند.

در کتاب ناسخ التواریخ آمده است:

هنگامی که امیر المؤمنین ـ علیه السلام ـ دفن شدند و ابن ملجم به قتل رسید، ابن عباس بسوی مردم آمده گفت: امیر المؤمنین از دنیا رفت و بجای خود جانشین گذاشته است، اگر دوست دارید تا به میان شما آید، و اگر دوست ندارید هیچکس را اجباری در کار نیست.

مردم به گریه افتادند و گفتند: بگو تا به میان ما آید، امام حسن ـ علیه السلام ـ در حالتی که لباس سیاه به تن پوشیده بودند به میان مردم آمده، وارد مسجد شده و بر منبر رفتند.

۴. از پاره ای احادیث چنین فهمیده می‌شود که از نظر شیعه در عصر ائمه طاهرین علیهم السلام عادت بر این بوده است که مقداری از ماه محرم و صفر تا ماه ربیع الاول لباس سیاه می‌پوشیده اند، و این عمل مورد تقریر و امضاء فعلی و قولی ائمه علیهم السلام قرار گرفته است.

مرحوم علامهٔ مجلسی به مناسبت روز نهم ربیع الأول حدیث مفصلی نقل می‌کند، و سپس می‌فرماید: ما احادیث دیگری یافته ایم که مؤیّد این مطلب است، و به این احادیث اعتماد می‌کنیم.

از احمد بن اسحاق قمی نمایندهٔ امام حسن عسکری ـ علیه السلام ـ روایت می‌کند که ضمن روایتی گفت:

...« امروز روز بیرون آوردن لباس سیاه است».

و این عادت که امروزه میان شیعیان رواج دارد که تا روز نهم ربیع سیاه می‌پوشند و در این روز از عزا در می‌آیند دنبالهٔ همان تقریر و امضای معصوم است.

و مرحوم سید بن طاوس قریب به این حدیث را در کتاب «الإقبال» از کتاب «نشروطی» با اسناد خود از حضرت امام علی بن موسی الرضا ـ علیه السلام ـ نقل می‌کند.

بنابراین، مادام که معصومین و اهل بیت علیهم السلام در عزای امیر المؤمنین ــ علیه السلام ــ و عزای امام حسین ــ علیه السلام ــ لباس سیاه می‌پوشیده اند، چرا نباید ما لباس سیاه بر تن کنیم و به آنان اقتداء کنیم؟

س: آیا رسول خدا ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ لباس سیاه می‌پوشیده اند؟

ج. بله، رسول خدا ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ نیز لباس سیاه می‌پوشیده اند، به حدیث ذیل توجّه فرمایید:

مرحوم شیخ صدوق از حضرت صادق ــ علیه السلام ــ ضمن حدیثی روایت می کند که فرمودند:

«خرج رسول الله ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ و علیه خمیصهٔ قد اشتمل بها، فقیل: یا رسول الله! من کساک هذا؟ فقال: کسانی حبیبی».

یعنی: (رسول خدا ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ بیرون آمدند در حالی که خمیصی به تن پوشیده بودند، به حضرتش گفتند: یا رسول الله! چه کسی این لباس را به شما پوشانده است؟ فرمودند: دوستم).

در «المنجد» آمده است که «خمیص» نوعی پارچهٔ سیاه چهارگوش است.

ــ آیا امیر المؤمنین ــ علیه السلام ــ هم لباس سیاه پوشیده اند؟

ــ بله، امیر المؤمنین ــ علیه السلام ــ نیز لباس سیاه می‌پوشیدند، به حدیث ذیل توجّه بفرمائید:

شیخ نوری «علیه الرحمهٔ» در کتاب «مستدرک الوسائل» از ابی ظبیان نقل می کند که:

«خرج علینا علی ــ علیه السلام ــ فی إزار أصفر و خمیصهٔ سوداء».

یعنی: علی ــ علیه السلام ــ به سوی ما بیرون آمد در حالی که لنگی زرد به کمر، و روپوشی سیاه بر تن داشتند.

ــ آیا غیر از پیامبر خدا ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ و امیر المؤمنین ــ علیه السلام ــ از امامان علیهم السلام هم لباس سیاه پوشیده اند؟

ــ بله، سایر امامان ــ علیهم السلام ــ نیز لباس سیاه می‌پوشیده اند.

اینک به چند حدیث ذیل توجّه فرمائید:

۱. امام حسین ــ علیه السلام ــ لباس سیاه پوشیدند.

مرحوم شیخ کلینی در کتاب «کافی» از حضرت باقر ــ علیه السلام ــ نقل می کند که فرمودند:

«قتل الحسین ــ علیه السلام ــ و علیه جبّهٔ خزّ دکناء».

یعنی: حسین ــ علیه السلام ــ کشته شد در حالی که جبهٔ خزی سیاه رنگ به تن داشت.

۲. امام صادق ــ علیه السلام ــ هم لباس سیاه پوشیده اند.

مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب «وسائل الشیعه» از علل الشرائع مرحوم شیخ صدوق از داود رقّی نقل می کند:

«شیعیان از حضرت صادق ــ علیه السلام ــ دربارهٔ لباس سیاه پوشیدن می‌پرسیدند، سپس حضرت را دیدیم که نشسته است در حالی که جبّه ای سیاه به تن دارد، کلاهی سیاه بر سر گذاشته، و کفشی متمایل به سیاه پوشیده اند، سپس قسمتی از آن را باز کرده و فرمودند:

«امّا پنبهٔ آن سیاه تر است».

۳. امام علی النقی حضرت هادی ــ علیه السلام ــ لباس سیاه می‌پوشیدند.

طبری امامی در کتاب «دلائل الإمامهٔ» ضمن حدیث مفصّلی روایت کرده است که:

«امام علی بن محمد بن الرضا ــ علیه السلام ــ روزی در سامراء بیرون آمدند در حالی که سوار بر اسبی سیاه رنگ بوده و لباس سیاه رنگ به تن وعمامه ای سیاه رنگ بر سر داشتند »....

بنابراین به چه دلیل پوشیدن لباس سیاه اشکال داشته باشد؟ با اینکه رسول خدا ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ لباس سیاه می‌پوشیدند؟ امیرالمؤمنین ــ علیه السلام ــ می‌پوشیدند؟ امام حسن ــ علیه السلام ــ می‌پوشیدند؟ امام حسین ــ علیه السلام ــ می‌پوشیدند؟ امام سجّاد ــ علیه السلام ــ می‌پوشیدند؟ امام صادق ــ علیه السلام ــ می‌پوشیدند؟ امام هادی ــ علیه السلام ــ می‌پوشیدند؟

و چرا ما در عزای امام حسین ــ علیه السلام ــ لباس سیاه نپوشیم در حالی که اهل بیت پیامبر ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ که در میان آنان صدّیقهٔ صغری زینب کبری و ام کلثوم «سلام الله علیهما» بودند در عزای حضرتش لباس سیاه پوشیدند؟

مجالس سوگواری چرا؟

س. چرا در عزای امام حسین ــ علیه السلام ــ مجالس ماتم برگزار می کنیم؟

ج. چون امامان معصوم علیهم السلام در عزای امام حسین ــ علیه السلام ــ مجالس سوگواری برگزار می کردند و به شیعیان خود نیز دستور می‌دادند که این گونه مجالس دایر کنند.

از طرفی هم خداوند اطاعت فرمان امامان علیهم السلام را بر ما واجب فرموده است.

س. کدام یک از ائمهٔ اطهار علیهم السلام و کجا برای امام حسین ــ علیه السلام ــ مجالس سوگواری برگزار کرده اند؟

۱. اهل بیت امام حسین ــ علیه السلام ــ که در میان آنان زینب کبری و ام کلثوم و دیگران بوده اند برای امام حسین ــ علیه السلام ــ اقامهٔ عزا می کرده اند.

مرحوم ابن شهر آشوب در کتاب «مناقب» روایت می کند:

«هنگامی که زنان وارد خانه یزید شدند ... به مدّت سه روز برای امام حسین ــ علیه السلام ــ مجلس سوگواری برگزار نمودند».

۲. عزاداری در کربلاء:

مرحوم علامهٔ مجلسی در کتاب «جلاء العیون» از مرحوم سید ابن طاوس روایت می کند:

«هنگامی که زنان و اهل بیت امام حسین ــ علیه السلام ــ از شام به کربلاء بازگشتند، با جابر بن عبدالله انصاری و جمعی از بنی هاشم و عدّه ای از خاندان رسول خدا ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ برخورد کردند ... و ماتمی جانسوز و دلخراش برگزار نمودند، و زنان آن منطقه اطرافشان گرد آمدند، و چند روزی آنجا اقامت نمودند».

۳. عزاداری امّ البنین و زنان بنی هاشم:

در کتاب «ریاض الأحزان» آمده است:

«امّ البنین همسر امیر المؤمنین ــ علیه السلام ــ برای سوگواری امام حسین مجلسی بپا کرد و زنان بنی هاشم نزد او جمع شده و برای امام حسین ــ علیه السلام ــ و اهل بیتش گریه می کردند».

۴. سوگواری اهل بیت ــ علیهم السلام ــ در شام:

مرحوم شیخ صدوق در کتاب امالی می‌نویسد:

«اهل بیت در خرابهٔ شام سه روز ماندند و در عزای امام حسین ــ علیه السلام ــ سوگواری و نوحه خوانی می کردند».

۵. اهل بیت ــ علیهم السلام ــ و سوگواری در مدینه:

مرحوم شیخ برقی در کتاب «محاسن» می‌نویسد:

«هنگامی که اهل بیت امام حسین ــ علیه السلام ــ به مدینه بازگشتند زنان خاندان رسول خدا ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ برای سید الشهداء ــ علیه السلام ــ عزاداری بپا نمودند، و لباسهای سیاه پوشیدند، و شب و روز نوحه سرائی می کردند، و حضرت امام

زین العابدین ــ علیه السلام ــ برای آنان غذا مهیّا می‌نمودند.

۶. حضرت امام رضا ــ علیه السلام ــ سوگواری می کنند:

مرحوم سید محسن امین در کتاب «المجالس السنیّهٔ» می‌نویسد:

«دعبل خزاعی در دههٔ محرم بر امام رضا ــ علیه السلام ــ وارد شد، در حالی که یاران حضرت اطرافش بودند، حضرت بپاخاسته پرده ای انداختند و زن و بچه را پشت پرده نشانیده و فرمودند: ای دعبل! برای امام حسین ــ علیه السلام ــ مرثیه بخوان، دعبل گوید: صدا به گریه بلند کردم و اشک از چشمانم جاری شده این اشعار را خواندم:

أفاطم! لو خلت الحسین مجدّلا و قد مات عطشانا بشطّ فرات

إذن للطمت الخدّ فاطم عنده و أجریت دمع العین فی الوجنات

۷. همسر امام حسین ــ علیه السلام ــ سوگواری می کند:

مرحوم شیخ کلینی در کتاب کافی از حضرت صادق ــ علیه السلام ــ روایت می کند که فرمود:

«هنگامی که امام حسین ــ علیه السلام ــ شهید شد، همسر آن حضرت که از قبیلهٔ بنی کلاب بود برای حضرتش مجلس ماتمی برگزار کرد، و آنقدر همراه زنان دیگر گریه کردند که اشک چشمشان خشکید».

۸. امام محمد باقر ــ علیه السلام ــ تشویق به سوگواری می کنند:

از امام باقر ــ علیه السلام ــ روایت شده است که فرمودند:

«خدا رحمت کند بنده ای را که با دیگری گرد هم آیند و سخن از ولایت ما به میان آورند، که سوّمین شخص آنان فرشته ای خواهد بود که برای آنان استغفار می کند، و هیچ گاه دو نفر به قصد یاد ما جمع نمی‌شوند مگر آنکه خداوند به وسیلهٔ آنان بر فرشتگانش مباهات خواهد فرمود، هر گاه جمع شوید و به یاد ما باشید اجتماع و یادآوری شما موجب زنده شدن ما است. و بهترین مردم پس از ما کسی است که سخن از ولایت ما گوید، و مردم را به یاد ما دعوت نماید».

۹. امام صادق ــ علیه السلام ــ تشویق به سوگواری می کند:

فضیل بن یسار از امام جعفر صادق ــ علیه السلام ــ روایت می کند که حضرت به او فرمودند:

«آیا جلسه ترتیب می‌دهید و به حدیث گفتن می‌پردازید؟

فضیل می گوید: آری.

آنگاه حضرت می‌فرماید: آگاه باش که من این مجالس را دوست دارم، ولایت ما را زنده کنید، زیرا که هر کس در مجلسی بنشیند که در آن امر ولایت زنده شود، در آن روزی که دلها خواهند مرد دلش نمی‌میرد».

۱۰. سوگواری در تمام خانه ها:

ابن قولویه در کتاب «کامل الزیارات» روایت می کند که امام باقر ــ علیه السلام ــ فرمودند:

...« در روز عاشوراء انسان باید برای امام حسین ــ علیه السلام ــ گریه و زاری کند و به اهل منزل خود دستور دهد که برای حضرتش گریه کنند، و در خانه خود با اظهار ناراحتی برای آن حضرت سوگواری بپا سازد، و در خانه های یکدیگر به منظور گریه کردن برای امام حسین ــ علیه السلام ــ به ملاقات همدیگر بروند و در مصیبت امام حسین ــ علیه السلام ــ به یکدیگر تسلیت گویند، که اگر این کارها را بکنند من برای آنان ضمانت می کنم که خداوند ثواب دو هزار حج و عمره و شرکت نمودن در جنگی در رکاب رسول خدا ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ و ائمّهٔ طاهرین ــ علیهم السلام ــ به او عطا فرماید».

۱۱. تشویق زنان به اقامهٔ سوگواری:

امام صادق ــ علیه السلام ــ مردم را تشویق می‌فرمایند که زنان هم در برگزاری ماتم برای امام حسین ــ علیه السلام ــ شرکت کنند

و به گریه و زاری برای حضرتش بپردازند.

در حدیث از حمّاد کوفی است که حضرت صادق ـ علیه السلام ـ به او فرمودند:

«به من رسیده است که نیمهٔ شعبان از اطراف کوفه و جاهای دیگر کسانی کنار قبر امام حسین ـ علیه السلام ـ می‌آیند، و زنانی برای حضرتش گریه می‌کنند، بعضی قرآن می‌خوانند، بعضی تاریخ می‌گویند، بعضی زاری می‌کنند و بعضی مرثیه می‌خوانند؟ به حضرت گفتم: بله چنین است، و من خودم اینها را که می‌فرمائید دیده ام، حضرت فرمود: شکر خدای را که در میان شیعیان کسانی را قرار داده است که به سراغ ما می‌آیند و به مدّاحی و مرثیه خوانی ما می‌پردازند».

خودزنی و به سینه زدن برای امام حسین ـ علیه السلام ـ

ـ چرا شیعیان برای امام حسین ـ علیه السلام ـ به سینه می‌زنند؟

ـ شیعیان این عمل را از اهل بیت امامان خود آموخته اند.

ـ اهل بیت کدام یک از ائمه ـ علیهم السلام ـ برای امام حسین ـ علیه السلام ـ بر سینه زده اند؟

به این موارد توجه فرمائید:

۱. زنان فاطمیات به صورت خود زده اند:

مرحوم صاحب جواهر از خالد بن سدیر روایت می‌کند که حضرت صادق ـ علیه السلام ـ ضمن حدیثی فرمودند:

«زنان فاطمیّات در مصیبت حضرت امام حسین ـ علیه السلام ـ یقه های خود را چاک زدند، و به صورت خود سیلی می‌زدند.

۲. امام صادق ـ علیه السلام ـ بر این عمل تأکید و ترغیب می‌فرمایند:

مرحوم شیخ طوسی در کتاب تهذیب از حضرت صادق ـ علیه السلام ـ نقل می‌کند که ضمن حدیثی فرمودند:

«برای شخصیّتی چون حسین ـ علیه السلام ـ باید سیلی به صورت زد و یقه پیراهن چاک زد».

۳. اهل بیت در کربلا به صورت خود می‌زدند:

ضمن حدیثی که مرحوم مجلسی در بحار الأنوار در این باره نقل کرده، آمده است:

«هنگامی که امام حسین ـ علیه السلام ـ وارد کربلاء شدند، و عاقبت کار خود و اهل بیتشان را برای آنان بیان فرمودند زنان به صورت خود سیلی زدند، و یقه پیراهن خود پاره کردند.

۴. سیلی به صورت زدن در شب عاشوراء.

مرحوم علّامه دربندی در کتاب «اسرار الشهادهٔ» می‌گوید:

امام حسین ـ علیه السلام ـ در شب عاشوراء در حالی که شمشیر خود را اصلاح می‌کردند این شعر را با خود زمزمه می‌کردند:

یا دهر افٍّ لک من خلیل کم لک بالإشراق و الأصیل

اینجا زینب کبری «علیها السلام» دست برد و یقهٔ خود را چاک زد و سیلی به صورت خود زد، و زنان حرم نیز با او به گریه افتادند و به صورت خود سیلی می‌زدند».

۵. اهل بیت ـ علیهم السلام ـ در روز عاشوراء...

و در همان کتاب روایتی آمده است:

«هنگامی که امام حسین ـ علیه السلام ـ در روز عاشوراء آخرین خطبهٔ خود را در برابر دشمن می‌خواندند، فرزندان آن حضرت و خواهرش حضرت زینب «علیها السلام» سخن او را شنیدند و به گریه افتاده، سیلی به صورت خود زدند».

۶. اهل بیت در روز یازدهم محرّم...

مرحوم شیخ مفید در بیان وقایع روز یازدهم می‌نویسد:

«و زنان حضرتش را بر شتران بی جهاز سوار کردند و همین که زنان به کشتگان نظر افکندند فریاد برآورده به صورت خود زدند».

۷. تقریر حضرت رضا ــ علیه السلام ــ نسبت به اشعار دعبل.

هنگامی که دعبل خزاعی در حالی که حضرت رضا ــ علیه السلام ــ در جمع یاران نشسته بودند و اهل بیت حضرت در پشت پرده بودند اشعاری را در مصیبت حضرت سیّد الشهداء ــ علیه السلام ــ خواند که از جمله این اشعار بود:

أفاطم! لو خلت الحسین مجدّلا و قد مات عطشانا بشطّ فرات

إذن للطمت الخدّ فاطم عنده و أجریت دمع العین فی الوجنات

یعنی: «ای فاطمه! اگر حسینت را با آن وضع می‌دیدی، که لب تشنه کنار شط فرات جان سپرد اگر می‌دیدی در کنارش به صورت خود می‌زدی و قطرات اشک بر گونه ات جاری می‌ساختی».

حضرت رضا ــ علیه السلام ــ دعبل را مورد تشویق خود قرار داده و از خداوند متعال خواستند که به او پاداش نیک عطا فرماید، و هرگز به او نفرمودند: تو از کجا دانستی که فاطمه «سلام الله علیها» برای حسین ــ علیه السلام ــ سیلی به صورت خود می‌زد؟!

۸. امام زمان ــ علیه السلام ــ چنین توصیف می‌فرمایند:

در زیارت ناحیه این فقرات وارد شده است:

«همین که بانوان حرم اسبت را با زین واژگون و حالتی حزن آور دیدند، مو پریشان نموده، از خیمه‌ها بیرون شدند در حالی که به صورت خود سیلی می‌زدند».

۹. حوریان بهشت در عزای حسین ــ علیه السلام ــ

و نیز در زیارت ناحیه وارد شده است:

«و حور العین در بهشت، برای مصیبت تو به صورت خود می‌زدند».

زنجیر زنی

س: آیا زنجیر زنی شیعیان در عزاداری حضرت امام حسین ــ علیه السلام ــ و وفات پیامبر اکرم ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ و ائمهٔ طاهرین ــ علیهم السلام ــ جایز است؟

ج. اولاًـ این عمل بعنوان اوّلی طبق تعبیر فقهاء مباح و جائز است، و دلیل آن یک قاعدهٔ فقهی اسلامی مورد قبول تمامی فقهاء اسلامی: «الناس مسلطون علی أنفسهم» یعنی: «مردم بر جان و نفس خود تسلّط دارند» از این قاعده استفاده می‌شود که هر انسانی صلاحیت کامل شرعی و آزادی مطلق دینی دارد که در بدن خود هر نوع تصرّفی به هر کیفیت و مقصودی که بخواهد انجام دهد ...

فقهاء و مراجع تقلید تنها دو مورد را از این قاعده استثناء نموده اند:

۱. خودکشی، که احدی حق ندارد اقدام به خودکشی نماید، زیرا در قرآن مجید سورهٔ نساء آیهٔ ۲۹ از آن نهی شده است و خداوند می‌فرماید: (و لا تقتلوا أنفسکم) یعنی: «حق ندارید خود را بکشید» و آیات و روایات دیگر.

۲. فلج کردن عضوی از اعضای بدن، و یا از بین بردن و قطع کردن یکی از نیروها یا اعضاء بدن، بنابراین کسی حق ندارد انگشت دست خود را قطع کند، یا مثلا نیروی جنسی خود را بکلی از بین ببرد، یا کاری کند که بینائی خود را از دست دهد، یا شنوائی خود را از دست دهد یا از این قبیل کارها، و دلیل آن هم عبارت است از اجماع فقهاء بر حرمت این گونه اقدامات.

بنابراین زنجیرزنی که یک عمل متعارف در عزاداریهای امام حسین ــ علیه السلام ــ و سایر معصومین ــ علیهم السلام ــ است یک

اقدام مباح است که اسلام به هر کس اجازه داده این گونه تصرفات را در بدن خود انجام دهد، بنابراین از نظر شرعی جایز و بی مانع است.

ثانیا: آنکه زنجیر زنی در عزاداری امام حسین ـ علیه السلام ـ داخل در عمومات شرعیه ای است که اسلام نسبت به آن تشویق نموده است مانند عموماتی که در آن مردم را به عزاداری برای امام حسین ـ علیه السلام ـ وادار نموده است.

پس بنابراین زنجیر زنی از نظر شرعی مستحب است، و داخل در عموم آیهٔ تعظیم شعائر الهی می‌باشد، که قرآن مجید دربارهٔ آن می‌فرماید:

«و من یعظّم شعائر الله فإنّها من تقوی القلوب».

یعنی: «هر کس نشانه های خدا را بزرگ دارد آن نشانهٔ روح تقوی است».

شبیه خوانی و نمایش

س. شبیه خوانی و نمایشهائی که شیعیان همه ساله از واقعهٔ عاشوراء ترتیب می‌دهند چگونه است و چه فوائدی در بر دارد؟

ج. شبیه خوانیها و نمایشات شیعیان به چند دلیل مشروع و جایز است:

۱. شبیه خوانی و نمایش حکم اوّلیهٔ آن، شرعا جایز و مباح است.

۲. شبیه خوانی و نمایش که صحنه های عاشوراء را به تصویر می‌کشد یکی از بهترین روشهای گریاندن است و مشمول روایات «ابکاء» می‌باشد.

همانند روایتی که شیخ صدوق «قدس سره» از امام رضا ـ علیه السلام ـ نقل کرده است که فرمودند:

«من ذکر مصابنا فبکی و أبکی لم تبک عینه یوم تبکی العیون».

یعنی: «هر کس مصیبت های ما را یاد نموده و گریه کند و دیگران را بگریاند، آن روز که چشمها همه گریان است، چشم او گریان نخواهد بود».

پس کسانی که این گونه نمایشها را ترتیب می‌دهند و بدین وسیله مردم را می‌گریانند، کمترین پاداش آنها این است که روز قیامت گریان نخواهند بود، همان گونه که در روایات بسیاری به آن اشاره شده است:

«إنّ کلّ عین باکیهٔ یوم القیامهٔ إلّا ... و عینا بکت علی الحسین ـ علیه السلام».ـ

یعنی: (روز قیامت تمام چشمها گریان خواهند بود مگر ... و چشمی که بر امام حسین ـ علیه السلام ـ بگرید).

و مانند روایتی که مرحوم شیخ صدوق آنرا در امالی خود نقل کرده است که حضرت امام جعفر صادق ـ علیه السلام ـ به ابوعماره فرمودند:

«یا ابا عمارهٔ من أنشد فی الحسین شعرا فأبکی خمسین له الجنّهٔ.

و من أنشد فی الحسین شعرا فأبکی أربعین فله الجنّهٔ.

و من أنشد فی الحسین شعرا فأبکی ثلاثین فله الجنّهٔ.

و من أنشد فی الحسین شعرا فأبکی عشرین فله الجنّهٔ.

و من أنشد فی الحسین شعرا فأبکی عشرهٔ فله الجنّهٔ.

و من أنشد فی الحسین شعرا فأبکی واحدا فله الجنّهٔ »....

یعنی: (ای ابا عماره! هر کس شعری در عزای حسین ـ علیه السلام ـ بسراید و پنجاه نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و هر کس در عزای حسین ـ علیه السلام ـ شعری سروده و چهل نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و هر کس در عزای حسین ـ علیه السلام ـ شعری بسراید و سی نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و هر کس در عزای حسین ـ علیه السلام ـ شعری بگوید و بیست نفر را به گریه آورد، بهشت پاداش او است.

و هر کسی در سوگ حسین ـ علیه السلام ـ شعری سروده و تنها یک نفر را بگریاند بهشت از آن او است)....

با توجّه به این که شعر بنفسه مکروه است مگر آنکه یک عنوان ثانوی بر آن عارض شود و کراهت آن را رفع کند، در حدیث آمده است:

«لئن یمتلی قلب الرجل قیحا خیر من أن یمتلی شعرا».

یعنی: (اگر قلب کسی لبریز از چرک و کثافت شود بهتر است از آنکه پر از شعر شود).

و کلام الله مجید که راست ترین و بهترین سخن است در مذمّت شعر و شعراء فرموده است: «و الشعراء یتبعهم الغاوون».

یعنی: شاعران را، تنها گمراهان پیروی می کنند.

وقتی که همین شعر مذموم و مکروه از آن پستی و پلیدی آن قدر بالا می‌آید و بجائی می‌رسد که به خاطر گریاندن مردم در فاجعهٔ شهادت امام حسین ـ علیه السلام ـ موجب بهشت رفتن سرایندهٔ آن می گردد آیا شبیه خوانی و نمایش که به عنوان اوّلی مباح است، در صورتی که موجب گریاندن مردم در عزای امام حسین ـ علیه السلام ـ شود، سبب بهشت نمی گردد؟!

علاوه بر اینکه شعر بسیاری از اوقات موجب گریه نمی‌شود بخلاف شبیه خوانی که اکثرا موجب گریهٔ بینندگان بر حضرت سید الشهداء ـ علیه السلام ـ می‌شود، و تأثیر فوق العاده ای بر روحیهٔ مردم می گذارد.

ما بسیار مشاهده کردیم که افراد سنگدل به هنگام تماشای شبیه خوانی، یک ربع ساعت تمام گریه کرده اند، در حالی که این گونه افراد طبق اظهارات خودشان در طول سال با اینکه عالی ترین اشعار و قصائد را پیرامون واقعهٔ عاشوراء شنیده اند اما هرگز چشمشان تر نشده است.

و این مطلب از نظر کسانی که شبیه خوانیهای عالی را دیده اند قابل تردید نیست، و در مورد کسانی که ندیده اند نیز واضح و روشن است.

بنابراین شبیه خوانی می‌تواند برنامهٔ جالبی باشد در برانگیختن احساسات مسلمین نسبت به امام حسین ـ علیه السلام ـ و گریاندن آنان، و گریاندن برای امام حسین ـ علیه السلام ـ آیا بهائی جز بهشت دارد؟!

۳. این گونه شبیه خوانیها داخل است در عمومات إحیاء مردم اهل بیت ـ علیهم السلام ـ که جزء وظائف ما است، و امام جعفر صادق ـ علیه السلام ـ برای کسانی که در این مسیر قدم بردارند دعا کرده و می‌فرماید: «رحم الله من أحیا أمرنا».

یعنی: (خداوند رحمت کند کسی که مرام ما را زنده سازد).

و امام رضا ـ علیه السلام ـ همان گونه که در روایت صدوق «قدس سره» آمده است در این باره می‌فرماید:

«من جلس مجلسا یحیی فیه أمرنا لم یمت قلبه یوم تموت القلوب».

یعنی: (هر کس در مجلسی شرکت نماید که در آن مرام ما زنده می‌شود، در آن روز که دلها خواهد مرد دلش نمی‌میرد).

و زنده نمودن راه و روش و مرام اهل بیت ـ علیهم السلام ـ مانند هر حکم مطلقی شامل کلیهٔ موارد و مصادیق مباح خواهد شد بدون تقیید به مورد خاص یا فرد معیّن.

بنابراین، شبیه خوانی در دلهای مردم عظمت و قداست اهل بیت ـ علیهم السلام ـ را بر می‌انگیزد، و مظلومیت و فداکاری آنان در راه خدا، و گذشتن از دنیا و ... را ثابت می کند، و این یکی از مصادیق آشکار احیاء امر اهل بیت ـ علیهم السلام ـ می‌باشد.

در صورتی که صرف برگزاری مجلسی که دو نفر یا بیشتر در آن شرکت کنند و مصائب اهل بیت ـ علیهم السلام ـ را یادآوری نمایند کاری است مذهبی که امام ـ علیه السلام ـ در مورد آن سوگند یاد نموده و می‌فرماید:

«و الله إنّی لا حبّ تلك المجالس».

یعنی: (به خدا سوگند که من این گونه مجالس را دوست دارم).

با اینکه می‌دانیم که یک مجلس کوچک متشکّل از دو یا سه نفر نسبت به یک مجلس شبیه خوانی جالب، از نظر احیاء مرام اهل بیت ــ علیهم السلام ــ قابل قیاس نیست، بنابراین شبیه خوانی که بسیار بیشتر از این گونه جلسات به مرام و هدف اهل بیت ــ علیهم السلام ــ پیشرفت خواهد داد، بیشتر مورد توجّه و علاقهٔ اهل بیت ــ علیهم السلام ــ می‌باشد.

و در مورد تصویر گفته اند:

«گاهی یک تصویر جالب بیش از هزار کتاب در دلها اثر می گذارد».

و این گفتار هر چند تا حدی مبالغه است ولی اصل آن غیر قابل انکار می‌باشد.

۴. روایات و عموماتی وارد شده که دستور تجدید عزای امام حسین ــ علیه السلام ــ در هر سال را داده است، و این روایات و عمومات شامل شبیه خوانی نیز می‌باشد.

زیرا پس از آن که حقیقت شرعیه ای برای کلمهٔ «عزاء» ثابت نشده باشد، و مردم عرفا از کلمهٔ «عزاء» هر نوع عمل مباحی از اظهار حزن و اندوه را می‌فهمند، دیگر بدون اشکال و مناقشه می توان گفت که: «عزاء» شامل شبیه خوانی هم خواهد بود.

و بدون شک همین شبیه خوانیهائی که در ایام عاشوراء مرسوم است یکی از مظاهر عرفی «عزاء» می‌باشد.

۵. در یک حدیث شریف به نحو خاصّی حکایت از برگزاری نوعی مجلس شبیه خوانی در محضر امام صادق ــ علیه السلام ــ می کند، که به نظر من همین حدیث مبدأ عمل کار شیعیان در شبیه خوانی به هنگام مراسم عزاداری است.

شیخ مهدی مازندرانی «قدس سره» در کتاب «معالی السبطین، ج ۱، ص ۹۶» روایت می کند که ثقهٔ الاسلام کلینی در کتاب «روضهٔ کافی» آورده است که:

«کمیت شاعر بر حضرت صادق ــ علیه السلام ــ وارد شد حضرت به کمیت فرمود: کمیت دربارهٔ جدّم حسین برایم شعر بخوان، پس از آنکه کمیت اشعاری در مصیبت امام حسین ــ علیه السلام ــ خواند، امام صادق ــ علیه السلام ــ گریهٔ شدیدی نمودند، زنان و اهل حرم حضرت هم به گریه افتادند و در اطاقهای خود صدا به گریه بلند نمودند، هنگامی که امام ــ علیه السلام ــ گریه می کردند ناگهان زنی از پشت پرده ظاهر شد در حالتی که کودکی شیرخوار و کوچک در دست داشت، طفل شیرخوار را آورد و در دامن امام گذاشت، و امام با دیدن طفل گریه اش بیشتر شده صدایش به گریه بلند شد و زنان پشت پرده هم صدا به گریه بلند کردند».

و این روشن است که منظور زنان حرم امام ــ علیه السلام ــ از آوردن طفلی شیرخوار از نسل رسول خدا ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ به خدمت امام شبیه در آوردن علی اصغر شیرخوار بوده است، تا بدین وسیله در دل گریه کنندگان تأثیر بیشتری گذاشته و گریه و زاری آنان شدّت بیشتری یابد، و گویا که مصیبت علی اصغر ــ علیه السلام ــ از دیگر مصیبتها در دل اهل بیت ــ علیهم السلام ــ بیشتر تأثیر گذاشته است.

اینک توجّه شما را به گفتهٔ یکی از فقاهی بزرگ مرحوم آیت الله شیخ عبدالله مامقانی «قدس سره» در رسالهٔ مخصوص شعائر حسینیه اش جلب می‌نمائیم:

«از واضح ترین مسائل در نظر کسانی که احاطه به اخبار و کلمات فقهاء دارند این است که هیچ آیه و روایتی و لو ضعیف و یا مرسل ــ دالّ بر حرمت شبیه سازی شخصی به شخص دیگر و نمایش دادن جریانات مخصوص به خاطر هدفهائی عقلائی وارد نشده است.

هر کس ادّعا دارد که آیه یا روایت یا حتّی عبارتی فقهی در این مورد آمده است بیان کند، که نمی‌تواند بیان کند.

بـا اینکه اوّلین کسـی که حوادث کربلا- ونظـایر آن را به نمـایش در آورده است و شـبیه خوانی را رواج داده مرحوم علّامـهٔ مجلسـی است، که از همـهٔ علماء آگاهیش بر اخبار و کلمات فقهاء بیشتر بوده است، و تمام علمای شهرسـتانها که پس از او آمدند عمل او را امضاء کرده اند و بر او انکار ننموده اند».

قمه زنی برای امام حسین ـ علیه السلام ـ

قمه زنی در نظر شـیعه اصـطلاحی است برای ضـربه زدن با قمه یا شمشیر یا تیغ به جلو سر بطوری که پوست سر شکافته شده و خون جاری شود، و شـیعیان این عمل را به منظور احساسات و فداکاری در ماتم امام حسین ـ علیه السلام ـ انجام می‌دهند، و در حقیقت بـا این عمـل آمـادگی خـود را برای دادن خون در راه حضـرت سـید الشـهداء ـ علیه السـلام ـ و پیروی از مکتب خونبـارش اعلام می‌نمایند.
قرنها رسم شیعه این بوده که در روز عاشوراء دور هم جمع شده و برای امام حسین ـ علیه السلام ـ گریه کنند، و حوادثی را که در آن روز بر حضـرتش گذشـته یاد نموده، و بر حضـرتش به عزاداری بپردازند و زمانی که شور و عشق حسـینی در دلهایشان شعله ور شد و بر مصـیبتها و دردهای غم انگیز حضـرت بطپد پس از آنکه تبدیل یکپارچه احساس و شور حسـینی شدند با قمه و شمشیرهائی که به عنوان یاری حسین ـ علیه السلام ـ در دست دارند بر سر خود زده و خون جاری می‌کنند.

جواز قمه زنی

قمه زنی به خودی خود عملی است جـایز و مبـاح، زیرا: «خود را به هلا-کت افکنـدن نیست» و موجب اتلاف عضوی از اعضاء بـدن نمی‌شود، و نه جائی از بدن یا یکی از قوای بدن ناقص می‌شود.
بنابراین به مقتضای «الناس مسلّطون علی أنفسـهم» یعنی: «هر کس اختیار بدن خود را دارد» که یک قاعدهٔ فقهی است، مانعی از این جهت وجود ندارد.

رجحان قمه زنی

دلیل بر رجحان و اسـتحباب قمه زنی آن است که این عمل یکی از مهم ترین روشـهای تعظیم شـعائر امام حسـین ـ علیه السلام ـ و بزرگداشت خاطرهٔ عاشورای حضرتش می‌باشد، زیرا این عمل عظمت حضرتش را در نظر مردم بالا می‌برد، و لذا اطلاق آیهٔ شریفهٔ: «و من یعظّم شعائر الله فإنّها من تقوی القلوب» بر آن صحیح خواهد بود.

قمه زنی نوعی إبکاء است

دیگر آنکه: قمه زنی را می‌توان یکی از مهم ترین روشـهای گریه انـداختن دانست و این هم یـک دلیـل بر رجحان آن خواهـد بود، زیرا معصـومین ـ علیهـم السـلام ـ طبـق احـادیث فراوان برای کسـانی که مردم را در عزای حضـرت امـام حسـین ـ علیه السـلام ـ بگریانند بهشت را تضمین فرموده اند، و ما قبلا به پاره ای از این احادیث اشاره کردیم که از آن جمله است حدیث شریف:
«من بکی أو أبکی أو تباکی فله الجنّهٔ».
یعنی: (هر کس ـ برای حسـین ـ علیه السلام ـ ـ گریه کند یا دیگران را بگریاند، یا خود را به حالت گریه کننده در آورد برای او بهشت خواهد بود).
ما بارها شاهـد بوده ایم که هزاران نفر در روز عاشوراء هنگامی که هیئتهای قمه زنی را مشاهده نموده اند اشک فراوان ریخته اند، و

با مشاهدهٔ این چهره های خونین مصیبتهای حضرت سید الشهداء ــ علیه السلام ــ و دیگر شهدای کربلاء در خاطره شان زنده شده است.

قمه زنی نوعی همرنگی و همراهی است

دلیل دیگر بر رجحان قمه زنی آنکه: این عمل یک نوع همراهی و همرنگی با حضرت امام حسین ــ علیه السلام ــ است که در روز عاشوراء شیعیان بیرون می‌آیند در حالتی که خون از سرشان جاری است، همان گونه که در آن روز امام حسین ــ علیه السلام ــ بیرون آمدند در حالی که خون از سر مبارک آن حضرت جاری بود.

یک شبهه و ردّ آن

ممکن است کسی بگوید: امام حسین ــ علیه السلام ــ به دست خود خون از سر خود جاری نکردند، چگونه می‌توان گفت: قمه زنی که شیعیان به دست خودشان خون از سر خویش جاری می‌کنند، پیروی نمودن از حضرت امام حسین ــ علیه السلام ــ است؟

جواب: آری، قمه زنی هم یک نوع همرنگی و پیروی از امام حسین ــ علیه السلام ــ است مگر در زیارت حضرت أبی الفضل العباس ــ علیه السلام ــ نخوانده اید: «و الأخ المواسی لأخیه»؟

یعنی: (درود بر برادری که از برادر خود پیروی نمود) با اینکه می‌دانیم منظور از پیروی حضرت عباس ــ علیه السلام ــ در این قسمت از زیارتنامه همان موردی است که حضرت با اختیار خود با اینکه در شط فرات تا رکاب اسبش در آب فرو رفته بود، یک مشت از آن آب برداشت جلو دهان خود آورد و چون به یاد تشنگی برادرش امام حسین ــ علیه السلام ــ افتاد، آب را به روی آب ریخت و تشنه از شط فرات بیرون آمد، با اینکه تشنگی امام حسین ــ علیه السلام ــ در ظاهر به اختیار خودش نبود، بلکه اقدامی بود از طرف دشمنان که آب را به روی خیمه های امام حسین ــ علیه السلام ــ بسته بودند.

اضافه بر این اگر این عطش اختیاری برای حضرت عباس ــ علیه السلام ــ به عنوان همرنگ شدن و همراه گشتن با عطش اجباری حسین ــ علیه السلام ــ کاری مورد پسند و نوعی پیروی از حسین ــ علیه السلام ــ نبود امیر المؤمنین علی ــ علیه السلام ــ بیست سال پیش از واقعهٔ عاشوراء به فرزندش عباس ــ علیه السلام ــ سفارش نمی‌فرمود که در چنین موقعیتی این پیروی و همرنگی با برادر بزرگتر و امام زمانت حسین ــ علیه السلام ــ داشته باش.

اینک به حدیث ذیل توجّه فرمائید:

عالم بزرگ و واعظ شهیر مرحوم شیخ هادی خراسانی نجفی «قدس سره» در کتاب «عدّهٔ الشهور» نقل می‌کند که:

«امیر المؤمنین ــ علیه السلام ــ به هنگام وفات خود فرزندش عباس را فرا خوانده، چشمانش را بوسیدند، و به او وصیّت کرده و از او پیمان گرفتند که هر گاه در روز عاشوراء آب را به تصرّف در آورد در حالی که برادرش تشنه است یک قطره آب هم ننوشد».

چندین حدیث مؤیّد

چندین حدیث مؤیّد

روایات متعدّد و احادیث شریفه دیگری بر رجحان و قمه زنی برای امام حسین ــ علیه السلام ــ و ریختن خون از بدن بمنظور عزاداری حضرتش دلالت دارد، که به پاره ای از آنها اشاره می‌کنیم:

قمه زنی زینب کبری ــ سلام الله علیها ــ

۱. زینب کبری ــ سلام الله علیها ــ که دارای مقام عصمت صغری است در محضر امام زین العابدین ــ علیه السلام ــ پیشانی خود را به چوبهٔ کجاوه می‌کوبد بطوری که خون از سرش جاری می‌شود، و سکوت امام ــ علیه السلام ــ تقریر و تجویز عمل او، و دلیل بر جواز قمه زنی است.

در خبر صحیح وارد شده است هنگامی که زینب کبری ــ سلام الله علیها ــ در کوفه سر برادرش امام حسین ــ علیه السلام ــ را بر سر نیزه دید چنان پیشانی خود را به چوبهٔ جلو کجاوه کوبید که خون از سر آن حضرت سرازیر شد.

خراشیدن صورت جایز است

۲. دربارهٔ مصیبت امام حسین ــ علیه السلام ــ نص شرعی وارد شده است که شیعیان می‌توانند صورت خود را خراش دهند، و طبیعی است که خراشاندن صورت موجب خون آمدن صورت هم هست هر گاه این عمل جایز بود بلکه خون آوردن صورت برای مصیبت امام حسین ــ علیه السلام ــ مستحب بود، قهرا خون انداختن سر نیز بجهت عدم فرق و وحدت مناط مستحب خواهد بود.

در حدیث موثّقی از حضرت صادق ــ علیه السلام ــ روایت شده است که فرمودند:

«علی مثل الحسین فلتشقّ الجیوب، و لتخمش الوجوه، و لتلطم الخدود »....

یعنی: (برای مثل حسین ــ علیه السلام ــ بایستی یقه‌ها پاره شود، و صورتها خراشیدن شود، و بر گونه‌ها سیلی زد».

امام سجّاد ــ علیه السلام ــ از چشمان خود خون می‌گرید

۳. بطور مکرّر دربارهٔ امام زین العابدین ــ علیه السلام ــ روایت شده است که حضرت در مصیبت پدر بزرگوارش حضرت امام حسین ــ علیه السلام ــ آنقدر گریسته است که از چشمان مبارك حضرتش خون جاری شده است، و امام زین العابدین ــ علیه السلام ــ امام و حجّت خدا است، و عمل معصوم نیز حجّت و یک سنّت شرعی قابل پیروی است.

مرحوم علامهٔ مجلسی «قدس سره» در بحار الانوار روایت نموده است که:

«انّ الأمام زین العابدین إذا أخذ اناءا لیشرب یبکی حتّی یملأه دما».

یعنی: (هر گاه امام زین العابدین ــ علیه السلام ــ ظرف آبی می‌گرفت که بنوشد آن قدر می‌گریست که آن ظرف را پر از خون می‌ساخت).

و فعل مضارع ــ یملأه دما ــ همان گونه که علماء گفته اند دلالت بر تجدّد و تکرار دارد.

بنابراین هنگامی که گریستن بر امام حسین ــ علیه السلام ــ در حد بخون افتادن چشم، پسندیده باشد، به طریق اولی به خون انداختن دیگر اعضاء بدن جایز است، زیرا احتمال ضرری که در اثر به خون انداختن چشم وجود دارد به مراتب بیشتر و مهمتر است از به خون انداختن سایر اعضاء بدن مانند سر و صورت و پشت و سینه و غیره.

خون گریستن، آن گونه که پزشکان می‌گویند: این گونه است که گریه کننده در گریه بسیار به خود فشار می‌آورد و بقدری اشک او جاری می‌شود که دیگر خون فرصت تبخیر و تبدیل به اشك را نیافته و با همان حالت از چشم جاری می‌گردد، زیرا اشک: بخار خون است که به وسیلهٔ دستگاههای پشت چشم تبدیل به اشك می‌گردد، وقتی که رطوبت چشم کم شد و انسان بسیار گریه کرد، یا آنکه گریهٔ انسان سرعتش قابلیت تبخیر و رطوبتهای خون پیشی گیرد، در این حالت است که خون به طور مستقیم از طریق رگهای چشم جاری می‌گردد.

امام زمان ــ علیه السلام ــ هم خون گریه می‌کند

۴. همان گونه که در زیارت ناحیه وارد شده است امام زمان «عجّل الله تعالی فرجه الشریف» به جای اشک برای جدّش امام حسین ــعلیه السلام ــ خون می گرید و می‌فرماید:

«و لأبکینّ علیک بدل الدموع دما».

یعنی: (و به جای اشک برایت خون می گریم).

در جائی که امام معصوم خون بگرید، عمل آن حضرت برای ما حجّت است، و ما می‌توانیم بدن خود را در مصیبت امام حسین ــ علیه السلام ــ به خون اندازیم.

تقریر امام در جاری کردن خون از بدن در مصیبت امام حسین ــ علیه السلام ــ

۵. دلیل دیگر: تقریر امام زین العابدین ــ علیه السلام ــ در مورد جاری ساختن خون از جانب زنان هاشمیه و زنان مسلمان در مصیبتهای امام حسین ــ علیه السلام ــ می‌باشد که در محضر حضرتش انجام می‌دادند، و حضرت هم مانع کار آنان نمی‌شدند.

سیّد بزرگوار ابن طاووس «قدس سره» در کتاب «لهوف» می گوید:

«هنگامی که بشیر بن حذلم به مردم مدینه خبر شهادت امام حسین ــ علیه السلام ــ و بازگشت امام زین العابدین ــ علیه السلام ــ را داد هیچ زنی در سرا پرده‌ها و منازل باقی نماند، مگر آنکه صورتهای خود را خراشیده، و به صورت خود سیلی زده و با فریاد و فغان و گریه و زاری به راه افتادند».

و قبلا اشاره شد که: خراشیدن صورت معمولا مستلزم خون آمدن صورت می‌شود، و این اعمال تماما زیر نظر و در محضر امام زین العابدین ــ علیه السلام ــ انجام می گرفت، و امام هم این اعمال را نهی نفرموده و زنان را از ارتکاب آن بازنداشتند، بلکه خود حضرت زنان را در انجام این اعمال یاری می‌نمودند، و دستور می‌دادند که برای آنان غذا و آب بیاورند و آنان را نسبت به این عزاداری تشویق می‌فرمودند ــ که قبلا اشاره شد.ــ

معجزهٔ قمه زنی

کسانی که در شهرهای مذهبی مانند نجف اشرف، و کربلای معلّی، کاظمین، مشهد و دیگر شهرهائی که روز عاشوراء دسته های قمه زنی در آن به راه می‌افتد زندگی می کنند، بدون شک این هیئت‌ها را مشاهده نموده اند، و دیده اند که چگونه آنها سرهای خود را تراشیده و شمشیرها و قمه‌ها را به سرعت بر فرق خود می‌زنند، و خون از فرقشان جاری می گردد، آنگاه در دسته های چند هزار نفری با این وضع در حالی که فریاد غمگین و شور انگیز شهید حسین، عطشان حسین، غریب حسین، مظلوم حسین، قتیل حسین، حیدر، حیدر، را سر می‌دهند، و به راه می‌افتند و دلهای مردم را بلرزه در آورده از چشمها سیلاب اشک جاری می‌سازند.

و از این هزاران قمه زن غرقه به خون نه هیچ کدام ناراحتی می‌بینند و نه هیچ کدام می‌میرند، در حالی که کسانی فکر می کنند که این گونه برنامه‌ها باید عده ای تلفات داشته باشد.

و براستی که این نوع معجزه است که مخصوص سبط شهید حضرت حسین بن علی ــ علیه السلام ــ است که خداوند به او مقام شهادت در راه إحیاء اسلام و ابقاء دین جدّش رسول خدا ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ را عطا فرموده است.

سخن کاشف الغطاء

مرحوم علّامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء «قدس سره» در کتاب «الآیات البیّنات» ضمن سخنی طولانی پیرامون قمه زنی

می گوید:

«ما در حدود شصت سال عمر کرده ایم، و با اینکه همه ساله می‌بینیم این دسته های خونبار حسینی به راه می‌افتند، اما تاکنون ندیده ایم کسی در اثر قمه زنی مرده باشد، یا آن که زیانی متوجّه او شده باشد، و حتی از گذشتگان خود نیز چنین سخنی نشنیده ایم».

سخن یک پزشک عراقی

روزی یک پزشک عراقی به من گفت: من از دسته های قمه زنی چیزهائی می‌شنیدم ولی خودم این دسته‌ها را ندیده بودم، یکبار در روز عاشوراء تصمیم گرفتم تا به زیارت امام حسین ـ علیه السلام ـ رفته و قمه زنی را هم از نزدیک مشاهده کنم، یک روز عاشوراء وارد کربلاء شدم و شخصی را در صحن حضرت عباس ـ علیه السلام ـ دیدم که سر خود را تراشید و سپس شمشیر برنده ای را که در دست داشت نه یک بار و نه دو بار و نه سه بار بلکه چهار مرتبه به فرق خود فرود آورد خون از رگهایش سرش جریان یافت، به طوری که من با خود فکر کردم که این شخص تا چند لحظهٔ دیگر خواهد افتاد، و بر حسب آنچه ما فرا گرفته بودیم و تجربیاتی که در دانشکده طب داشتم، می گفتم: پیش از آنکه به بیمارستان برسد خواهد مرد، و لذا همه چیز را فراموش کردم و چشم از همه پوشیدم و تمام حواس و فکرم متوجّه این شخص بود و همراه او به راه افتادم و از او مراقبت می کردم تا ببینم تا کارش به کجا خواهد انجامید! و هر لحظه انتظار داشتم بیفتد که ناگهان مشاهده نمودم که این شخص با دست راست خود محکم بر محل زخمهای سرش می کوبد در حالی که می گفت:

...« شهید ... حسین ... عطشان ... حسین ... مظلوم ... حسین ... غریب ... حسین حسین حسین »....

و چندین ساعت اطراف حرم حضرت ابوالفضل العباس ـ علیه السلام ـ و حرم حسین ـ علیه السلام ـ گردش کرد، و سپس به حمّام عمومی که قبلا برای شستشوی قمه زنها آماده شده بود وارد شد، من نیز پشت سرش وارد شدم تا مراقب حالش باشم، رفت خودش را شست و خونهای سرش را شستشو داده، بیرون آمد و یک ظرف چای نوشید.

و پس از چند ساعت او را در میان دسته های «عزای طویریج» مشاهده نمودم که زخمهای سرش خوب شده و با شور و هیجان زائد الوصفی عزاداری می کند گویا خراش بسیار مختصری بر سرش وارد شده است.

پزشک عراقی می گفت: من از این جریان در شگفت شدم و به خود گفتم: یا آن اطلاعات و علومی که ما در دانشکدهٔ طب آموخته ایم باطل است، و یا اینکه این شخص بشر نبوده است، و گرنه این جراحات می‌بایست حتما کار این شخص را ساخته باشد!!!

من به او گفتم: نه آن است و نه این، تمام معلومات و درسهائی که شما در دانشکدهٔ طب خوانده اید درست است،و این فرد هم بشر و انسان بوده است، و این گونه کارها هم می‌بایست انسان را از پا در آورد، همهٔ اینها که گفتی درست است.

اما یک چیز سوّمی هست و آن معجزهٔ امام حسین ـ علیه السلام ـ است که خداوند به آن حضرت عنایت فرموده است.

نظریه مراجع تقلید در مورد شعائر حسینی

نظریه مراجع تقلید در مورد شعائر حسینی

تمامی مراجع تقلید که در مورد شعائر حسینی و خصوصا قمه زنی از آنان سؤال شده است در جواب فرموده اند: که قمه زنی کاری است درست و جایز، و حتی انجام آن مستحب است، و بعضی هم آن را در پاره ای موارد واجب دانسته اند، و نسبت به انجام آن مردم را بسیار تشویق کرده اند، که در این جزوه تنها به چند نمونه از فتاوی اشاره می کنیم:

فتوای میرزای نائینی «قدس سره»

مردم بصره تلگرافهائی را به رئیس الفقهاء مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد حسین نائینی «اعلی الله مقامه» مخابره نمودند، ایشان در جواب نوشتند:

بسم الله الرحمن الرحیم

به سوی مردم بصره و اطراف آن

پس از تقدیم سلام به برادران عزیز و محترم اهالی منطقهٔ بصره و رحمت و برکات الهی.

در «کرّادهٔ شرقیّه» تلگرافات و نامه های شما به دست ما رسید که در آنها از حکم شرعی دسته های عزاداری و هیئات پرسیده بودید، اینک که بحمدالله به سلامت وارد نجف اشرف شده ایم، با بیان چند مسئله به پاسخ سؤالهای شما می‌پردازیم:

مسئلهٔ اول: بیرون آمدن دسته های عزاداری در دههٔ عاشورا و روزهائی مانند آن که در خیابانها براه می‌افتند، بدون شک بیرون آمدن این دسته های عزاداری جایز بلکه دارای رجحان بوده و از ظاهرترین نمونه هائی است که به وسیلهٔ آن عزای آن امام شهید و مظلوم به پا داشته می‌شود، و از جملهٔ آسان ترین وسائل برای تبلیغ دعوت حسینی است نسبت به هر دور و نزدیکی.

و لکن بسیار لازم است که این شعائر بزرگ از برنامه هائی که شایستهٔ عبادتی مانند آن نیست منزّه باشد و از موسیقی و غناء و به کار بردن آلات لهو هل دادن یکدیگر به منظور جلو افتادن دسته ای بر دستهٔ دیگر و محله ای بر محلهٔ دیگر و این قبیل کارها باید جدا اجتناب شود.

و اگر در مراسم عزاداری کارهای ناشایستی از این قبیل انجام گرفت فعل حرامی است که همان عمل حرام است و حرمتش به دستهٔ عزاداری سرایت نمی‌کند، و مانند نگاه کردن به زنان نامحرم در حال نماز است که کار خوبی نیست امّا موجب باطل شدن نماز نمی‌شود.

مسئلهٔ دوّم: بدون شک با دست به صورت و سینه کوبیدن در حدّی که موجب سرخ شدن و سیاه شدن بدن شود اشکالی نداشته، بلکه بنابر اقوی حتی با زنجیر بر شانه‌ها و پشت کوبیدن نیز در حد سرخ شدن و سیاه شدن بدن جایز است، بلکه حتی اگر سینه زنی و زنجیر زنی موجبی بیرون آمدن مقداری هم خون گردد.

و اما بیرون آوردن خون از پیشانی به وسیلهٔ شمشیرها و قمه‌ها آن هم بنابر اقوی جایز است، در صورتی که انسان از ضرر آن در امان باشد، و تنها خون از پیشانی بیرون آید بی آنکه صدمه ای بر استخوان سر وارد شود، و خون فراوانی که مضر باشد بیرون نیاید، و از این قبیل شرائطی که افراد با تجربه در قمه زنی آگاهند.

ولی در صورتی که اتفاق افتد و خون به اندازه ای خارج شود که زیان دارد و موجب حرمت عمل گردد، مانند کسی است که وضو گرفته و یا غسل کرده یا روزه گرفته است در حالی که از ضرر آن در امان بوده است ولی بعدا معلوم شده است که ضرر داشته است.

و لکن بهتر آن است که آنان که تجربه ای در کار قمه زنی ندارند به خصوص جوانان پر احساسی که به خاطر شدّت احساسات اهمیّت نمی‌دهند چگونه ضربه بر خود وارد می‌سازند، وارد دستهٔ قمه زنی نشوند، زیرا این جوانان بخاطر عظمت مصیبت و پر شدن دلهایشان از محبّت حسینی اختیار خود را از دست می‌دهند، خداوند در دنیا و آخرت آنان را بر منطق ثابت اسلام حفظ کند.

مسئلهٔ سوّم: ظاهر آن است که اشکالی در جواز شبیه خوانی و نمایشنامه هائی که در میان شیعیان به منظور اقامهٔ عزا و گریه نمودن و گریاندن از قرنها پیش رواج داشته است نباشد هر چند این برنامه‌ها مستلزم پوشیدن لباس زنانه توسّط مردان باشد بنابر اقوی.

گرچه قبلا ما در جواز این مورد اشکال می‌کردیم و جواز شبیه خوانی را در فتوای چهار سال پیش خود مقیّد میکردیم، ولی پس از آن که دوباره به این مسئله مراجعه کردیم برای ما روشن شد آنچه که از تشبّه مرد به زن حرام است آن است که انسان رأسا از قیافهٔ مردان خارج شده و قیافهٔ زنان بخود گیرد نه آن صورتی که برای مدّتی معیّن مرد لباس زن را بپوشد بی آن که تغییر قیافه دهد

همان گونه که در این گونه شبیه خوانیها انجام می‌شود.

و لذا ما اخیرا در حواشی «عروة الوثقی» این فتوی را اصلاح نموده ایم، بله البته لازم است شبیه خوانی از محرّمات شرعیه مبرّا باشد، و چنانچه در شبیه خوانی به فرض فعل حرامی انجام گیرد حرمتش به اصل شبیه خوانی سرایت نخواهد کرد همان گونه که گفتیم.

مسئلهٔ چهارم: طبلهائی که در این گونه مراسم زده می‌شود، تا به حال حقیقت آن برای ما روشن نشده است، اگر مورد استعمال این طبلها عزاداری و اخبار برای گرد آمدن مردم و هشدار به سواره و پیاده و یا استعمال در هوسه های عربی و مانند آن باشد و در موارد شادی و لهو و لعب مورد استفاده قرار نگیرد همانطور که در نجف اشرف پیش ما شناخته شده است ظاهرا جایز باشد، خدا بهتر می‌داند.

۵ ربیع الاول سال ۱۳۴۵ هجری قمری

حرّره الأحقر

محمد حسین الغروی النائینی

تأیید بقیه مراجع تقلید نسبت به این فتوا

پس از این فتوی بسیاری از بزرگان از مراجع تقلید و فقهای عظیم الشأن فتوای مرحوم نائینی را مورد تأیید قرار داده و آن را امضاء نمودند، مانند:

۱. مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم «قدس سره».

۲. مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی «قدس سره».

۳. مرحوم آیت الله العظمی سید میرزا مهدی شیرازی «قدس سره».

۴. مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد حسین کاشف الغطاء «قدس سره».

۵. مرحوم آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی «قدس سره».

۶. مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد حسین مظفّر «قدس سره».

۷. مرحوم آیت الله العظمی سید حسین حمّامی «قدس سره».

۸. مرحوم آیت الله العظمی شیخ کاظم شیرازی «قدس سره».

۹. مرحوم آیت الله العظمی سید جمال الدین گلپایگانی «قدس سره».

۱۰. مرحوم آیت الله العظمی سید جواد تبریزی «قدس سره».

۱۱. آیت الله العظمی سید محمد شیرازی «دام ظله».

۱۲. مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی «قدس سره».

۱۳. مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی «قدس سره».

۱۴. مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالأعلی سبزواری «قدس سره».

۱۵. مرحوم آیت الله سید علی فانی «قدس سره».

۱۶. مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا طبسی «قدس سره».

و عدّهٔ دیگری از علما و مراجع تقلید...

نظر کاشف الغطاء کبیر

مرحوم علّامه شیخ جعفر کاشف الغطاء در کتاب کشف الغطاء خود می‌فرماید:
«امّا بعضی از اعمال که مربوط به دین است و دلیل خاصی بر آن نیست، خالی از این نیست که بتوان آنها را وارد ادلهٔ عامه نمود و با انجام دادن این کارها انسان قصد موافقت از جهتی داشته باشد، نه از جهت خاص تا آنجا که می‌فرماید:
همان گونه که در مقام عزاداری امام حسین ــ علیه السلام ــ می‌بینیم طبل اعلام می‌زنند یا سنج می‌زنند یا صورتهائی به منظور شبیه خوانی درست می‌کنند، یا به صورت و سینهٔ خود می‌زنند تا گریه و زاری بیشتری انجام دهند».

شیخ خضر بن شلال تأیید می‌کند

شیخ خضر از شاگردان مرحوم کاشف الغطاء کبیر است، که صاحب «الذریعهٔ» دربارهٔ او نقل می‌کند که: امیر المؤمنین ــ علیه السلام ــ را در خواب می‌بیند، حضرت قلمی به دست او می‌دهند، وقتی از خواب بیدار می‌شود همان قلم را در دست خود مشاهده می‌کند، و با آن قلم کتاب «أبواب الجنان» را می‌نویسد که در این کتاب گفته است:
«آنچه که از مجموع روایات بر می‌آید، از آن جمله روایاتی که در مورد زیارت حسین مظلوم ــ علیه السلام ــ حتّی با ترس جانی، رسیده است، اینکه به سر و سینه زدن و جزع و زاری نمودن برای امام حسین ــ علیه السلام ــ به هر شکلی که باشد حتی اگر بداند که در دم خواهد مرد جائز است».

تأکید آیت الله العظمی مامقانی

آیت الله العظمی مامقانی «قدس سره» در پاسخ سؤالی که در مورد حکم قمه زنی از ایشان شد نوشتند:
«شایسته نیست که انسان در این امور شبهه کند بلکه اگر فقیه متبحّری فتوی به وجوب کفائی این برنامه‌ها را ــ در مثل این ازمنه که دستهائی تصمیم گرفته اند نور اهل بیت را خاموش کنند ــ بدهد نمی‌شود او را تخطئه نمود.
و تمام این شعائر موجب هدایت گروههای بسیاری از غیر مسلمانان خواهد شد، بلکه در بعضی از سرزمینهای هندوستان رسم شده است که آتش فراوانی روشن می‌کنند، و حجلهٔ قاسم درست می‌کنند، و از یک در وارد آتش شده و از در دیگر خارج می‌شوند بی آن که آتش در آنان یا در حجله اثر بگذارد.
خداوند هر کس را که برنامه هائی مانند سینه زنی و شبیه خوانی ایجاد کرده است جزای خیر بدهد).
پایان.

نظر مبارک حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی «قدس سره»

متوفی ۱۳۶۱ هجری قمری
دربارهٔ مجالس عزاداری حضرت امام عظیم حسین بن علی ــ علیه السلام ــ
بسم الله الرحمن الرحیم
در این اعمالی که در مواکب عزا معمول است دلیلی قوی بر حرمت آنها نداریم حتی برای قمه زدن، مادامی که مودّی تلف نفس و شبه آن نگردد چنان چه دأب عارفین به آن است پس اقوی جواز این اعمال بلکه رجحان آنها است در راه تعزیه حضرت سید الشهداء ارواح ما فدای او باد چگونه چنین نباشد؟! و حال اینکه این یگانه راه در حاضر و گذشته و آینده برای ابقا و بزرگ ترین شعائر و اعلاء کلمه حق و نظام فرقه است و اگر این نبوده هر آینه خون شهیدان پایمال گشته و بهدر می‌رفت و برای هیچ کس قدر این نهضت معلوم نمی‌گردید. خداوند ما را به راه راست رهنمائی و ثابت گرداند چه او ولی توفیق است.

الأحقر محمد حسین اصفهانی

نظر مبارک حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری «قدس سره» متوفی ۱۳۵۵ هجری قمری

درباره مجالس سوگواری حضرت سالار شهیدان امام حسین بن علی ــ علیه السلام ــ

بسم الله الرحمن الرحیم

و امّا آنچه را که پرسش کرده اید: از اقامهٔ انجمنهای ابی عبدالله الحسین درود خدا بر او باد و از آنچه که معمول بین شیعه است از به سر زدن در مجالس و خیابانها و راه های عمومی، پس گمان ندارم کسی منکر خوبی و رجحان آن باشد مادامی که برخی از محرمات شرعی را در بر نداشته باشد مانند استعمال آلات لهو و غیر آنها. و اما قمه زدنها پس اگر زیان به حال فاعل آن ندارد بأسی و باکی بر آن نیست سزاوار نباشد کسی از آن جلوگیری و منع کند، بلکه جمیع انواع تعزیه برای خاطر و دوستی سید الشهداء ارواح ما فدای او باد مشروع و مستحب است مادامی که مشتمل بر آنچه در شرح حرام شده نباشد.

الأحقر عبدالکریم حائری

پی نوشتها

. صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۳۰۷ و صحیح ابن ماجه باب فضائل اصحاب رسول الله ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ و مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۷ و اسد الغابهٔ، ج ۲، ص ۱۹، و ص ۱۳۰ و کنز العمال، ج ۶، ص ۲۲۱ و ج ۷، ص ۱۰۷، به نقل از فضائل الخمسهٔ، ج ۳، ص ۲۶۲.

. مانند مرحوم آیهٔ الله مامقانی که فتوایش در آخر کتاب خواهد آمد، و همچنین صاحب کتاب «اسرار الشهادهٔ» مرحوم ملا آقا دربندی.

. آنجا که می‌فرماید ...: « أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الامر منکم» سورهٔ نساء، آیهٔ ۵۹.

. در این روایت تعبیر «لطمن» بسیار آمده است، المنجد در مادهٔ لطم می گوید یعنی: «ضرب خدّه أو صفحهٔ جسده بالکفّ» یعنی: «لطم: عبارت است از زدن به صورت یا جائی از بدن با کف دست».

. سورهٔ حج، آیهٔ ۳۲.

. منظور اشعار جاهلیت است که از می‌و معشوق سخن به میان می‌آمده است.

. سورهٔ شعراء، آیهٔ: ۲۲۴.

. سورهٔ حج، آیهٔ ۳۲.

. البته اگر برای شیعیان میدان نبردی بین حق و باطل پیش بیاید این نمایش و شبیه سازی‌ها را در نبرد با ستمگران و یزیدیان عصر خود به یک کربلای واقعی تبدیل نموده و با الهام از مکتب حضرت سید الشهداء ــ علیه السلام ــ آمادگی تحمل هر نوع ضربه و زخمی را در میدان نبرد تا سر حد شهادت دارند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹